

## کندوکاوی تحلیلی بر نقش فرهنگ در طراحی کالبد معماری (نمونه موردی خراسان شمالی شهرستان بجنورد)

مجتبی امامی

گروه معماری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

فرامرز حسن پور<sup>۱</sup>

گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه زابل، زابل، ایران

حسین مهرپویا

گروه باستان‌شناسی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۷

### چکیده

در دوران مختلف تاریخ ویژگی‌های فرهنگی قبیله‌ای، قومی، اقلیمی، آیین‌ها و... تاثیر خود را بر طراحی کالبد معماری بر جای گذاشته است. تفاوت در ویژگی‌های فرهنگی اقلیم‌های مختلف موجب پیدایش شکل‌های متمایزی در فضاهای زیستی و شکل سکونتگاه‌ها شده است. هدف از انجام این پژوهش کندوکاوی تحلیلی بر نقش فرهنگ در طراحی کالبد معماری در خراسان شمالی شهرستان بجنورد می‌باشد. از آن جایی که افراد ساکن این استان و شهرستان از قومیت‌های مختلف تشکیل شده است، دو قوم ترکمن و کرمانج را انتخاب نموده و مطالعات و بررسی‌های انجام شده را با تمرکز بر این دو قوم قرار دادیم؛ که اکثریت ساکنین این شهرستان را تشکیل می‌دهند. در راستای رسیدن به این مقصود سه سوال اساسی مطرح می‌باشد: ۱- فرهنگ چه نقشی در نوع کالبد معماری استان خراسان شمالی دارد؟ ۲- مهم‌ترین شاخص فرهنگی تاثیرگذار در شکل سکونتگاه‌های فرهنگی خراسان شمالی کدام است؟ ۳- بیشترین فضای تاثیرپذیر از فرهنگ در معماری کدام است؟ در پی پاسخگویی به سوالات فوق به مطالعه اسنادی نظام مند و سیستماتیک پرداخته و در ادامه با چند تن از نخبگان حوزه مربوطه مصاحبه نیمه ساختاریافته صورت گرفته است و نتایج نشان می‌دهد ویژگی‌های فرهنگی همچون بازنمایی روابط و نقش‌های جنسیتی، حفظ حریم خصوصی و محرمیت بر مبنای فرهنگ جنسیتی، پیوند‌های فردی و اجتماعی بیشترین تاثیر را بر کالبد معماری خراسان شمالی داشته است. بر پایه ویژگی‌های فرهنگی فوق کالبد معماری در میان این دو قوم به دو نوع معماری درون‌گرا و برون‌گرا طبقه می‌شود. معماری درون‌گرا با تاکید بر جدایی عرصه‌های عمومی و خصوصی در میان کرمانج‌ها و معماری برون‌گرا با تاکید بر تلفیق عرصه عمومی و خصوصی در میان ترکمن‌ها مشاهده می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** فرهنگ، کالبد معماری، معماری درون‌گرا، معماری برون‌گرا، محرم و محرمیت، خراسان شمالی، بجنورد.

<sup>۱</sup>. (نویسنده مسئول): fhassanpour@uoz.ac.ir

## مقدمه

برای آن که خانه فضای زیست مطلوب منظور گردد، الزاماً باید باز نمودی از فرهنگ و شیوه‌های زندگی باشد. همچنین باید دارای خصوصیتی باشد که برخی الزامات فرهنگی - اجتماعی همچون نیازهای اعتقادی و مذهبی و توجه به آداب و رسوم، علاوه بر شیوه‌های زیستی را پاسخ گوید (Khakpour et al., 2013). با توجه به نقش پررنگ فرهنگ در معماری در این پژوهش مقصود آن است تا به واکاوی تحلیلی از نقش فرهنگ بر معماری خراسان شمالی (شهرستان بجنورد) پردازیم. «فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که در برگیرنده دانستنی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هر گونه توانایی دیگر است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است» (Emami, 2009: 68). در راستای رسیدن به این مقصود سه سوال اساسی مطرح می‌باشد:

- فرهنگ چه نقشی در کالبد معماری استان خراسان شمالی دارد؟
- مهم‌ترین شاخص فرهنگی تاثیرگذار در شکل سکونتگاه‌های فرهنگی خراسان شمالی کدام است؟
- بیشترین فضای تاثیرپذیر از فرهنگ در معماری کدام است؟

## رویکرد نظری

فرهنگ هر جامعه از طریق مظاهر آن مانند زبان، هنر و معماری مشخص می‌شود و تحلیل در حوزه فرهنگ با مطالعه مظاهر فرهنگی مرتبط است. معماری به عنوان یک موضوع از زندگی بشر منعکس کننده فرهنگ در هر جامعه است که با ویژگی‌های ساختاری، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه ارتباط نزدیکی دارد. مردم در هر کشوری سعی می‌کنند با استفاده از چیزهای مادی، هنجارهای خود را رعایت کرده و ارزش‌های خود را در ساخت معماری حفظ کنند (Etehad et al., 2014: 410).

خانه یکی از مهم‌ترین فضاهایی است که نقش‌های مختلف مادی، کالبدی و از همه مهم‌تر نقش فرهنگ در ساختار معماری آن به روش‌های مختلف نمود پیدا می‌کند من جمله به شکل عناصر، تزئینات، شکل‌ها، ترکیب‌های حجمی یا ترکیبات خاص در پلان‌ها. اگر حضور معماری در زندگی و مسائل یک دوره کم‌رنگ شود، این فقر حضور، به زبان و فرهنگ نیز منتقل می‌گردد و برعکس این مسئله نیز صادق است به گونه‌ای که اگر زبان و فرهنگ ملتی نقصان یابد یا حتی مورد هجوم زبان و فرهنگ بیگانه‌ای قرار بگیرد، معماری آن ملت نیز دگرگون می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت فرهنگ و معماری دو مقوله تفکیک‌ناپذیر می‌باشند که تاثیرگذاری آنان بر یکدیگر گره خورده است (Momeni and Masoudi, 2016: 67).

در زمینه فرهنگ و کالبد سکونتگاهی در خراسان شمالی (بجنورد) تحقیقی به صورت تخصصی و مستقیم صورت نگرفته است لکن پژوهش‌هایی در زمینه معماری بومی در این استان مورد توجه چند تن از محققین قرار گرفته است از جمله مظاهری کوبی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی معماری بومی در تعامل با توسعه پایدار شهرستان بجنورد پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد با بررسی معماری بجنورد در مقیاس خرد و کلان و انطباق آن با بحث پایداری می‌توان به نکات ارزشمندی از جمله استفاده از مصالح مناسب و جهت‌گیری صحیح که متاثر از اقلیم می‌باشد اشاره نمود، همانگونه که مشخص است این معماری با توجه به اقلیم و پایداری شکل گرفته است، ولی در سال‌های اخیر

این مهم به فراموشی سپرده شده و به صورت سلیقه ای انجام گرفته است. معماری بومی نکات مهم و ارزشمندی برای استفاده در ساخت بناهای امروز و آینده و استفاده نسل های بعد در خود جای داده است، که با توجه به آنها می توان گامی مهم و ارزشمند در راستای توسعه پایدار، محیط زیست و نهایتا آمایش سر زمین برداشت. رضائی و قناد (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی شاخص های بومی معماری استان خراسان شمالی پرداخته اند. بر اساس شناسایی گونه های مختلف از واحدهای مسکونی در شهر بجنورد گونه های مسکونی به پنج دسته اعیان نشین، شیروانی پوش، ترکی ساز، خانه های جدید و آپارتمانی تقسیم بندی شده اند. با توجه به نتایج بدست آمده شاخص های بومی معماری بجنورد را می توان به ترتیب، بافت فشرده پلانی، توجه به درون گرایی پلان ساختمان ها، حداقل فضای ارتباطی با استفاده از راهروها برای کنترل انرژی، جهت گیری های شمالی جنوبی پلان ها، استفاده از حداقل ابعاد پنجره ها و جهت روشنایی فضاها، ایوان های ستون دار در جهت جنوب نام برد. للنج و موسوی (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی نگرش روانشناختی نقش جنسیت در قابلیت های ادراک فضای معماری پرداخته است یافته های پژوهش حاکی از وجود رابطه معنادار بین جنسیت و میزان ادراک عناصر بصری فضای معماری می باشد. تفکیک فضایی بین جنس ها، یعنی جنسی کردن فضا، توسط معمار گاه امری منطقی است؛ به خصوص در جوامعی که تفکیک بین زنان و مردان در اکثر شئون رعایت می شود. حتی جنسیتی شدن فضا براساس فرهنگ حاکم بر جوامع امری دور از ذهن نیست. از این رو، جنسیتی شدن یک فضا زمانی به عنوان مشکل مطرح می شود که بنا به دلایلی یکی از دو جنس مجبور به ترک یک فضای عمومی شده و از حق بهره برداری از آن فضا محروم شود؛ درحالی که امکان بهره مندی مطلوب از فضای شهری و عمومی از حقوق اولیه شهروندان محسوب می شود. می توان گفت مکان های خاص ممکن است براساس جنس افرادی که آن ها را اشغال می کنند یا براساس فعالیت های مختلف جنسیتی که در آن ها انجام می شوند خصوصیات جنسیتی داده شوند.

رستم زاده و ایلکا (۱۳۹۱) در پژوهش خود به موضوع اقلیم، طبیعت و معماری و مسکن اقوام ترکمن پرداخته است. نتایج پژوهش این دو محقق نشان می دهد فرهنگ ساخت و چگونگی اجرای بنای تام ترکمنی طی سال ها اسکان این قوم به صورت سنت در میان آنان باقی مانده است و با اقلیم و کارکردهای معیشتی این نواحی همساز و همگون است. خاکپور و عشقی صنعتی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبد روستاهای گیلان پرداخته و یافته های پژوهش آنان نشان می دهد که تعاملات اجتماعی مردم روستا متأثر از شرایط طبیعی و خصوصیات اقتصادی و کنش های معیشتی استوار است که خود یکی از عوامل هماهنگی کنش های اجتماعی و موجب انسجام روابط اجتماعی و فرهنگی ساکنان روستا می گردد و این عوامل درکنار یکدیگر به وجود آورنده همگونی بافت کالبدی است که در پاسخ به نیازهای اجتماعی، معیشتی، اقلیمی و فرهنگی مشابه شکل می پذیرد.

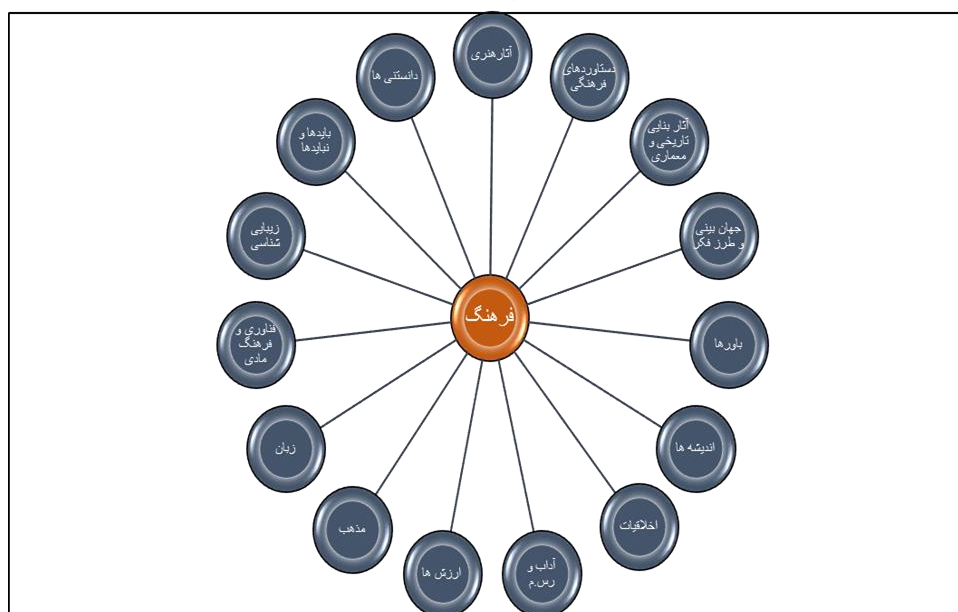
فرهنگ

کلمه فرهنگ هر چند تا حدودی مفهوم روشنی را در اذهان تداعی می کند، اما ریشه یابی لغوی این واژه تفسیر آن می تواند نقش ویژه ای را در تبیین عناصر، مبانی، زمینه ها و محتویات یک فرهنگ ایفا کند. فرهنگ را همچنین می توان به مثابه بخشی از جهان بینی و شیوه نگرشی دانست که مردم یک کشور در تعاملات و به ویژه در نحوه مواجهه با مسائل و مشکلات ملی اتخاذ می کنند (Shariati and Azimi Torqadari, 2014: 130).

اصطلاح فرهنگ دارای معانی و مفاهیم متعدد می‌باشد و در سیر تاریخی معانی متفاوتی به خود گرفته است. در یک تعریف فرهنگ پدیده‌ای کلی پیچیده از آداب و رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی که در طی تجربه تاریخی اقوام شکل می‌گیرد و قابلیت انتقال به نسل‌های بعدی است (Anvari, 2003: 1652). شمس (۱۳۸۸) فرهنگ را به معنای الگوهای رفتاری آموخته شده می‌داند که بر پایه واقعیت‌های ذهنی و اجتماعی شکل گرفته و از نسلی به نسل دیگر قابل انتقال است. فلاحتی (۱۳۹۲) فرهنگ را عبارت از شیوه زندگی کردن یک گروه یا جمع می‌داند که بر مبنای دستاوردهای مادی و معنوی گروهی که در طی فرایند تاریخ به دست آمده و دارای اعتبار می‌باشد، شکل یافته و در زندگی افراد جاری است. تعریف تایلر که در سال ۱۸۷۱ در کتاب فرهنگ ابتدایی آمده به عنوان تعریفی جامع و مانع معروف است: «فرهنگ مجموعه پیچیده‌ایست که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد بعنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد» (Ruh al-Amini, 2003: 17). فرهنگ هر قوم و آیینی و به تعبیر دیگر؛ فرهنگ هر ملت و کشوری، در برگیرنده باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم و بایدها و نبایدهایی است که به عنوان زیربنای اصلی هویت آن کشور به شمار می‌آید (Maleki and Hatami, 2003: 72).

تعاریف مختلف و متفاوت از فرهنگ بیانگر این مطلب است که تمام دستاوردهای مادی و معنوی بشر در طول تاریخ در قالب اصطلاح فرهنگ قابل تعبیر است؛ به همین سبب تعریف ذکر شده در فرهنگ مردم شناسی «میشل پانوف» را میتوان تعریفی جامع از فرهنگ دانست. فرهنگ را می‌توان در دو سطح مادی و معنوی دسته بندی کرد؛ فرهنگ مادی عبارت است از تمامی آنچه که عینی و ملموس است؛ مانند آثار هنری، دستاوردهای صنعتی، بناهای تاریخی، خط، موسیقی و... . فرهنگ معنوی یا غیر مادی نیز عبارت است از عقاید و رسوم، علوم و معارف، ارزش‌ها و اندیشه‌ها، اخلاقیات، دانستی‌ها و... (Ruh al-Amini, 1993: 24).

شکل ۱: دیاگرام معناشناسی فرهنگ



Source: Research Findings, 2020

## فرهنگ، سکونت و معماری

به طور عام خانه یکی از مفاهیم پایه‌ای در فرهنگ تلقی می‌گردد. همان‌گونه که تعلیم و تربیت، خانواده و مذهب در تداوم شیوه زندگی بنا نهاده شده، خانه نیز تبلوری از جهان‌بینی و اخلاق قومی است. زیرا بسیاری از ارزش‌های اجتماعی رفتاری در روند فرهنگ‌سازی ثبت می‌گردد. در فرآیند فرهنگ‌پذیری نقش مسکن و نحوه استفاده از آن، حتی در دوره قبل از یادگیری زبان، تأثیری بارز بر آموخته‌های انسان دارد. لذا می‌توان ادعا کرد که مسکن نه تنها خود باز نمود بی‌واسطه فرهنگ است، بلکه چگونگی تعامل انسان با مسکن در کنش‌های روزانه، از اولین مراحل آموزش انسان بر او مؤثر است (Khakpour et al., 2013).

افرادی که در مناطق مختلف زندگی می‌کنند صاحب ارزش‌های فرهنگی متفاوتی هستند. فرهنگ از عواملی نظیر باورهای اساسی، ارزش‌ها و اخلاق ساخته می‌شود. ارزش‌های فرهنگی با روحیه انسان عجین می‌شود و فرد را در قضاوت در مورد درستی یا نادرستی کارها راهنمایی می‌کند. پس می‌توان گفت که معماری همچون سایر رفتارهای انسان متأثر از موقعیت فیزیکی و فرهنگی او در جهان است.

رویکردها و چهره‌های جدید معماری در نتیجه بحث در خصوص اهمیت سکونت و مفهوم آن شکل گرفته‌اند. آموس راپاپورت، معمار و طراح شهری معاصر از جمله همین افراد است. این معمار لهستانی الاصل، فرهنگ را وارد مباحث معماری کرده است و معتقد است شکل بنا را در نهایت، بینشی که یک قوم از زندگی آرمانی دارد تعیین می‌کند (Fakuhi and Ghaznavian, 2013).

درواقع مسکن به عنوان محیط مسکونی از دیدگاه‌های مختلف زیر قابل بررسی است:

۱- از دیدگاه اجتماعی: انسان موجودی است اجتماعی که یکی از نیازهای آسایش او تشکیل خانواده است و برای حفاظت از کیان خانواده و مشخص شدن چهارچوب خانوادگی، نیاز به مسکن مناسب دارد، مسکنی که به عنوان پایگاه نمادین در محله‌های شهری، خانه هر خانواده نشانگر پایگاه اجتماعی و فرهنگی خانواده می‌باشد.

۲- از دیدگاه روانی: جامعه محیطی استرس‌زا و صحنه مبارزه و رویارویی فرد با مسائل و مشکلات زندگی است و ارتباط فرد با محیط پیرامون خالی از رفتارهای روانی و هیجانات و مشکلات عاطفی نیست، لذا این فشارها باعث پایین آمدن سطح کارایی فرد، خستگی فکری و مشکلات متعددی می‌شود که یک مسکن مناسب می‌تواند محیطی با آرامش فکری فراهم کند که انسان را از لحاظ روانی آماده فعالیت آینده کند (Ghorbani, 1995).

۳- از دیدگاه اقتصادی: مسکن نوعی سرمایه‌گذاری با مفهوم اقتصادی بوده و فرصتهای شغلی، دوری و نزدیکی مسکن به محل کار، هزینه رفت و آمد از عوامل اساسی اقتصادی تأثیرگذار بر امر مسکن هستند (Kendall, 2004). سکونت حس تعلق خاطر به نقطه‌ای ویژه است که دارای تأثیرات عمیق و پایدار می‌باشد. «معنای خانه، احساسی، شخصی و نمادین است. به همین سبب نمی‌توان آنرا در ملاک‌های کمیته گنجانند. خانه مفاهیمی چون هویت شخصی و گروهی، درجاتی از خلوت شخصی و خصوصی بودن فضا را دربردارد» (Rapaport, 2005: 22).

شکل ۲: تاثیر متقابل فرهنگ و سکونت‌گزینی



Source: (Khakpour et al., 2013)

#### مسکن بومی مبتنی بر فرهنگ و سنت

فرهنگ، سازنده رفتارها و عملکردها است، بدین معنی که مردم هر فرهنگی به نوع خاصی زندگی می‌کنند، می‌نشینند، می‌خوابند، کار می‌کنند و... که با فرهنگ‌های دیگر متفاوت است. ارتباط فضاها در هر ساختمانی به دلیل اینکه از فعالیتهای مختلفی تشکیل شده متعاقب آن دارای تنوع فضایی است. فرهنگ است که تعیین میکند که چه فضاهایی با همدیگر ارتباط داشته باشند چه فضاهایی ارتباط نداشته باشند و شدت ارتباط چقدر باشد (Khosronia, 2009: 40).

سنت، برخاسته از فرهنگ است. دوره سنت، زمانه ای است که انسان در تعامل با سرزمین خود برای پاسخ به نیازهای زندگی اش، رعایت حد را به عنوان یک شاخص مهم سرلوحه عمل خود قرار می‌دهد (Koosheshgaran, 2007). همانطور که برخی از متفکران، فرهنگ را رفتارهای آموخته شده انسان‌ها می‌پندارند که از نسلی به نسل بعد آموزش داده شده و انتقال یافته اند، فرهنگ، شیوه زندگی همه مردم است (Haviland, 2003: 34).

معماری جامع و صحیح تنها در یک سنت زنده جان می‌گیرد و سنت نتیجه تجربه علمی چندین نسل در برابر مشکلی واحد است (Fathi, 1993). بنابراین تعاریف میتوان گفت که مسکن بومی یک گروه یا قوم که مبتنی بر سنت موجود در آن است، در واقع انتزاع و نمادی از آن فرهنگ عامل تعیین کننده شکل خانه های بومی است. در جوامع سنتی برداشتی واحد از زندگی جمعی، الگوی مسکونی پذیرفته شده، گونه های مسکونی و سلسله مراتبی مورد قبول وجود دارد و در نتیجه یک شیوه والگوی معینی برای ساخت مورد قبول همگان است. این الگو

تا زمانی پایدار خواهد بود که سنت و فرهنگ به وجودآورنده الگو، پایدار باشد (Vali Beg and Rastegar, 2017). در این گونه جوامع هر فرد قادر به ساختن خانه خود می باشد و مفهومی به نام «سنت» روشی را برای انجام هر کاری تعیین می کند.

امروزه پایبندی معماران به وجوه فرهنگی از این جهت اهمیت پیدا می کند که «طراح به منزله پرورش دهنده، موجب تقویت پیوندهای مردمی می شود؛ زیرا تعهد به فرهنگ، روح طراحی است و محیط موفق فقط با توجه کامل به وجوه اجتماعی و فرهنگی قابل تحقق است» (Grouit and Wang, 2005: 117). بنابراین، خانه‌ها منطبق بر فرهنگ‌ها و انتظام فضایی آن‌ها، نشان دهنده روابط اجتماعی افراد ساکن در آنهاست. در بررسی فرم خانه، در هفتاد و سه فرهنگ مختلف مشاهده گردید که میزان تقسیم بندی فضای داخلی خانه بستگی به میزان پیچیدگی اجتماعی سیاسی در آن فرهنگ دارد. (Giffred, 1998: 85)

عواملی همچون اقلیم و جغرافیا، آئین و مذهب و تأثیرات ادراکی و انسان‌شناختی که زمینه‌ساز فرهنگ هر منطقه هستند؛ به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر کالبد ساختاری و فضایی ابنیه‌ی آن منطقه تأثیرگذارند (Fakuhi and Ghaznavian, 2013). یکی از انگاره‌های فرهنگی که می‌تواند طراح را در طراحی بومی کمک نماید، نقوش خاصی است که فرهنگ‌های مختلف از آنها بیشتر استفاده می‌نمایند. نقوش از جمله دستاوردهای فرهنگی هستند که یا در طول تاریخ ایجاد شده‌اند، یا در یک فرآیند نمادسازی تولید شده و یا براساس خصوصیات طبیعی و تاریخی اقوام شکل یافته‌اند و تبلوری از روحيات قوم هستند. به هر حال نقوش طی هر فرآیندی که تولید شده باشند، می‌توانند به طور مستقیم و یا با طی پروسه تجرید و تعمیم در طراحی شهری و بالاحص نماهای شهری به‌کار روند؛ زیرا دست‌کم فرهنگ گروه موردنظر از لحاظ روانی با نقش مزبور آشنا بوده و از دیدن آن در فضاهای شهری لذت می‌برد و این باعث برانگیخته شدن احساس تعلق او خواهد شد (Pourjafar et al., 2011). برای نمونه در کشورهای شرقی، همانند ژاپن، معماری خانه‌ها تحت تأثیر خصلت‌های فرهنگی است. به طوری که دو صفت خوی سپاهی‌گری و گرایش به کارهای هنری در ارتباط با آئین شینتو که بر پایه آنیمیسیم و طبیعت پرستی استوار است، معماری آنها را متأثر نموده است (Merton, 1977).

### جغرافیای طبیعی و خصوصیات اقلیمی

استان خراسان شمالی با مساحتی حدود ۲۸۱۷۹ کیلومتر مربع از ۷ شهرستان بجنورد (مرکز استان)، شیروان، اسفراین، مانه و سملقان، جاجرم، فاروج و گرمه تشکیل شده است. استان خراسان شمالی از نظر موقعیت ریاضی بین مدارهای ۳۶ درجه و ۳۷ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۴۱ دقیقه شمالی و بین نصف النهارهای ۵۵ درجه و ۵۳ دقیقه تا ۵۸ درجه و ۳۰ دقیقه شرقی قرار دارد. از نظر موقعیت نسبی این استان از جهت شمال به جمهوری ترکمنستان، از جنوب و شرق به استان خراسان رضوی، از سمت غرب به استان گلستان و از سمت جنوب غربی به استان سمنان محدود می‌شود (جغرافیای طبیعی استان).

هر کدام از اقلیم‌های آب و هوایی طراحی معماری مربوط به خود را طلب می‌کند که در این صورت باعث بهبود شرایط ساختمان می‌شود. استان خراسان شمالی دارای تنوع آب و هوایی است. به دلیل گسترش نواحی کوهستانی،

آب و هوای آن اغلب معتدل کوهستانی است. قسمت هایی از جنوب استان به دلیل مجاورت با کویر مرکزی از آب و هوای بیابانی و نیمه بیابانی و قسمت های مرتفع آن، از آب و هوای سرد کوهستانی برخوردار است. منطقه بجنورد عموماً متأثر از دو توده هوایی سرد سیری از سمت شمال و گرم مدیترانه ای خزری از سمت غرب می باشد بر اثر بر خورد این دو توده هوایی با هم به ویژه در فصل زمستان پدیده ای بارش به صورت برف در مناطق مرتفع و تا حدودی به همراه باران در مناطق پست، دشت های منطقه صورت می گیرد. علیرغم سردی و خشکی توده هوای سرد سیری، توده هوایی خزری گرم و مرطوب می باشد (Golzar et al., 2015).

منظور از طراحی اقلیمی یعنی طراحی که بتواند ضمن هماهنگی با محیط طبیعی پیرامون خود و بهره گیری هرچه بیشتر از نیروی طبیعی موجود در محل تا حد امکان محیط طبیعی مناسبی برای استفاده کنندگان ایجاد کند (Kasmai, 2003).

#### یافته‌ها

##### یافته‌های توصیفی

این پژوهش از لحاظ هدف تحقیق کاربردی و از نوع اکتشافی می باشد. از لحاظ روش کیفی و از نوع پیمایشی است. روش جمع آوری اطلاعات آمیخته (توصیفی-تحلیلی) و با استفاده از انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته و استخراج از اسناد و مدارک و مبانی نظری پژوهش و با استفاده از نظر متخصصان و صاحب‌نظران می باشد. در این تحقیق، بنا به دلایلی همچون:

۱- پیچیدگی موضوع و ناشناخته بودن نسبی‌اش؛ ۲- شرایط خاص صاحب‌نظران، به علت مشغله پاسخگویان برای شرکت در مصاحبه؛ ۳- کمبود تحقیقات در زمینه شاخص‌سازی و همچنین فقدان تئوری جامع برای تدوین مبنا نظری معیارهای ارزیابی، استفاده از روش کیفی مناسب‌تر به نظر می‌رسد. روش‌های مختلف تحقیق کیفی به رغم اشتراک در پژوهش محور بودن، پیش‌فرض‌های متفاوتی دارند و در پی هدف جداگانه‌اند.

هر روشی در پژوهش کیفی بر درک خاصی از موضوع تحقیق خود مبتنی است؛ با این وجود نباید روش‌های کیفی را مستقل از فرآیند تحقیق و موضوع مورد مطالعه دانست؛ زیرا این روش‌ها در چارچوب فرآیند تحقیق جای گرفته‌اند (Flick, 2008). روش‌های کیفی اساساً برای پرده برداشتن از پدیده‌هایی که کمتر شناخته شده‌اند و دیدن اینکه در پشت آن‌ها چه نهفته است، یا برای کسب نگاهی نو درباره‌ی آن چیزهایی که میزان از آگاهی درباره‌شان وجود دارد به کار گرفته می‌شوند و نیز می‌توانند جزئیات ظریفی از پدیده‌هایی که ارائه آن‌ها به روش‌های کمی مشکل است به دست دهند (Strauss and Corbin, 2006).

این پژوهش در پی بررسی نقش فرهنگ در کالبد معماری استان خراسان شمالی (شهرستان بجنورد) و شناسایی مهم ترین شاخص های فرهنگی تاثیرگذار در شکل سکونتگاه های فرهنگی خراسان شمالی، می باشد انتخاب مشارکت کنندگان در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری هدفمند با روش گلوله برفی است. حدتوقف یا اشباع درانتخاب نمونه‌ها جایی است که دیگر در بین مفاهیم ارائه شده توسط مصاحبه شونده‌گان مفهوم جدیدی مشاهده نشود.



مصاحبه یکی از شیوه‌های دستیابی به معرفت نظام‌مند است که گونه‌های مختلفی دارد و به تناسب هر پژوهش، از نوعی مصاحبه بهره گرفته می‌شود (Mohammadpour, 1390: 142). نتایج حاصل از این تحقیق در طراحی و بهبود فضاهای مسکونی تاثیر گذار خواهد بود و رضایتمندی بیشتر ساکنین از فضای زندگی را فراهم می‌آورد. توجه به موضوع پژوهش حاضر از یک سو و مبتنی بودن راهبرد تحقیق بر گردآوری اطلاعات از متخصصین، مصاحبه‌های این پژوهش از نوع مصاحبه‌های نیمه - ساخت‌یافته، نیمه‌بسته و نیمه‌منظم هستند و رویکرد کلی حاکم بر آنها، ترکیبی از رویکردهای کمی و کیفی است (Adapted from: Jennings, 2005: 101, quoted by Mohammadpour, 1390: 152).

تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش در بخش کیفی به شرح ذیل است: در بخش کیفی پس از انجام «مصاحبه عمقی» با نخبگان و متخصصین مربوطه، اقدام به پیاده سازی محتوای مصاحبه‌ها نموده و با استفاده از کدگذاری باز، محوری و گزینشی و تحلیل محتوا که از توصیف پرنوعه و سیرداستان بکار خواهیم برد. در این بخش تک تک متن مصاحبه‌ها به دقت بررسی و جملات کلیدی استخراج می‌شود و سپس با توجه به ابعاد ویژگی‌های آنها، عملیات طبقه بندی و اختصاص کد صورت خواهد گرفت. بدین صورت که پس از خواندن هر جمله، یک کد اختصاصی که گویای آن مطلب است، بدان اختصاص خواهد یافت و به طور کلی در مرحله کدگذاری باز، متن مصاحبه‌ها به کدها تبدیل خواهد گردید. کدگذاری محوری دومین سطح از کدگذاری در تجزیه و تحلیل داده می‌باشد که پس از کدگذاری باز صورت خواهد گرفت. کدگذاری محوری مجموعه رویه‌هایی برای مقایسه طبقات و ایجاد طبقات جدید براساس داده‌ها از طریق کشف روابط میان آنها می‌باشد که در این پژوهش مورد استفاده محقق قرار گرفته است.

### یافته‌های تحلیلی

نتیجه تحلیل ۴ مصاحبه با خبرگان حوزه مربوطه در راستای واکاوی نقش فرهنگ بر کالبد معماری در استان خراسان شمالی: نمونه موردی دو قوم ترک و کرمانج شهرستان بجنورد مضمون توصیفی، ۱۳ مضمون کد سازمان دهنده و در نهایت، ۲ مضمون فراگیر استخراج گردید. بدین ترتیب که با تحلیل متن هر مصاحبه قطعاتی از هر مصاحبه که به پرسش‌های پژوهش پاسخ می‌دادند، استخراج شد.

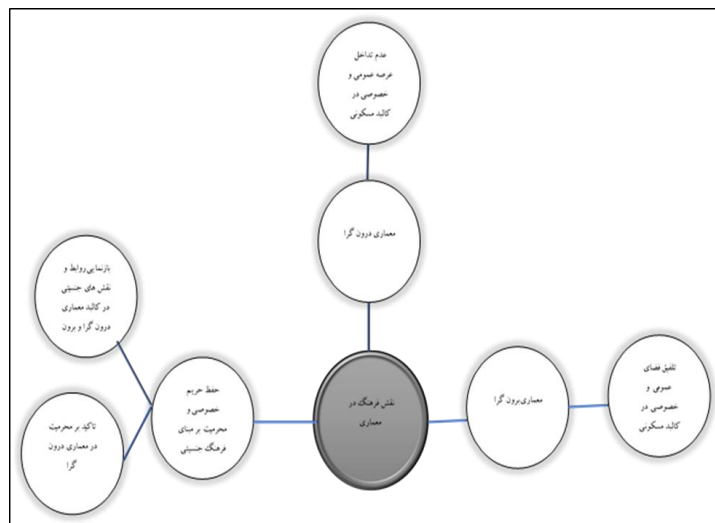
سپس با ظهور مضامین پایه در هر مصاحبه تلاش شد با مقایسه مستمر آنها، این کدها بر اساس شباهت‌های مفهومی در دسته‌های انتزاعی تری با عنوان مضامین سازمان دهنده خوشه بندی شوند. با پیشبرد گردآوری و تحلیل داده‌ها نیز این مضامین سازمان دهنده در ذیل چترهای مفهومی بزرگ تری با عنوان مضامین فراگیر طبقه بندی شده و در نهایت، شبکه مضامین را به عنوان الگوی نهایی تحقیق شکل دادند.

### شکل ۱: مضامین تحقیق

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
عدم جدایی‌گزینی عرصه عمومی و خصوصی کالبد مسکونی		
ترکمن‌ها		
عدو وجود حصار بصری و رفتاری در واحد مسکونی ترکمن‌ها		

<p>تلفیق فضای عمومی و خصوصی در کالبد مسکونی ترکمن ها</p> <p>معماری برون گرا و درون گرا</p>	<p>عدم وجود دیوار و مانع در ورودی خانه ترکمن ها</p> <p>عدم تفکیک مهمان خانه از عرصه زندگی شخصی و خانوادگی</p> <p>نیمه محصور بودن فضای اتاق نشیمن و محل اجتماع اعضای خانه</p> <p>عدم تفکیک واحدهای کالبد مسکونی در اقوام ترکمن</p> <p>عدم وجود فضای تفکیک شده و حائل بندی شده</p> <p>ارتباط دیداری و حسی در کالبد مساکن ترکمن</p> <p>ایوان فضای ارتباط با طبیعت و فضای عمومی</p> <p>انجام فعالیت های جمعی در ایوان</p>
<p>عدم تداخل عرصه عمومی و خصوصی در کالبد مسکونی کرمانج ها</p>	<p>وجود حصار و جدایی محدوده عمومی و خصوصی در منازل کرمانج ها</p> <p>وجود معماری بسته و درون گرا در خانه های کرمانج ها</p> <p>تقسیم بندی خانه به اندرونی و بیرونی</p> <p>درون گرا بودن خانه های کرمانج ها</p> <p>نداشتن ارتباط بصری مستقیم با فضای خارج از خانه ویژگی معماری درون گرا</p> <p>اهمیت حیاط در معماری درون گرا خانه های کرمانج ها</p> <p>وجو مانع بین ورودی و مهمان خانه و جداسازی فضای عمومی و خصوصی و رعایت اصل محرمیت در فرهنگ کرمانج</p> <p>تفکیک مهمان خانه از بخش ها خصوصی</p>
<p>بازنمایی روابط و نقش های جنسیتی در کالبد معماری درون گرا و برون گرا</p> <p>حفظ حریم خصوصی و محرمیت بر مبنای فرهنگ جنسیتی</p>	<p>جدایی حریم های جنسیتی در کالبد مسکونی کرمانج</p> <p>تفکیک فضای اندرونی و بیرونی بر اساس نقش های جنسیتی</p> <p>تفکیک جنسیتی فضا بر اساس فعالیت ها</p> <p>نقش معیشت و طبقه اجتماعی در فعالیت زنان و ارتباط کمتر آنان با عرصه عمومی</p> <p>کمرنگ بودن نقش جنسیت و محرمیت در مساکن ترکمن</p> <p>نمود الگوی جنسیت-فضا و محرمیت-فضا در مساکن کرمانج</p>
<p>تاکید بر محرمیت در معماری درون گرا</p>	<p>رعایت اصل محرمیت در معماری درون گرا</p> <p>نقش فرهنگی حیاط در رعایت اصل محرمیت و جدایی فضای اندرون و خصوصی زنان با بیرون</p> <p>وجو مانع بین ورودی و مهمان خانه و جداسازی فضای عمومی و خصوصی و رعایت اصل محرمیت در فرهنگ کرمانج</p>

نمودار ۲: شبکه مضامین سازمان دهنده و فراگیر



Source: Research Findings, 2020

نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

در پاسخ به این پرسش فرهنگ چه نقشی در کالبد معماری استان خراسان شمالی شهرستان بجنورد دارد؟ مهم ترین شاخص فرهنگی تاثیرگذار در شکل سکونتگاه های فرهنگی خراسان شمالی شهرستان بجنورد کدام است؟ و بیشترین فضای تاثیرپذیر از فرهنگ در معماری کدام است؟ با مرور نظام مند اسناد و پیشینه های موجود، اینگونه می توان نتیجه گرفت که ویژگی های فرهنگی دو قوم مورد بررسی شامل نگرش مذهبی، رفتارها، عقاید، فعالیت های اجتماعی و فرهنگی، روابط و مناسبات فردی و اجتماعی تاثیرات خاصی بر کالبد بناها و واحدهای مسکونی در هر قوم داشته است. بین ویژگی های فرهنگی دو قوم کرمانج و ترکمن (نظیر ویژگی های جنسیتی، تعاملات اجتماعی و حریم محرمیت) و نوع ساختار کالبدی بناها ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. این ویژگی های فرهنگی در هر قوم بر ساخت و چگونگی اجرای بنا های مسکونی طی سال ها اسکان این اقوام در این منطقه به صورت سنت در میان آنان باقی مانده است و حتی می توان گفت طرح این نوع ساختمان ها به نوعی در ساختمان هایی که امروزه بنا می شوند تا حدودی تاثیر گذار است. اگر چه با گذشت زمان و سالیان طولانی تا حدودی برخی ویژگی های فرهنگی این اقوام از جمله شیوه های معیشتی و جنسیتی این اقوام در حال کمرنگ شدن است اما برخی از این ویژگی ها و شاخص های فرهنگی اقوام مذکور را می توان نمونه ای از هنر ساخت کالبد بنا این محدوده به شمار آورد.

با مرور تحقیقات و مطالعات اسنادی و همچنین مشاهدات و مصاحبه های انجام شده با متخصصان حوزه مربوطه دو قوم کرمانج و ترکمن در رابطه با ویژگی های قومی و تاثیر آن بر کالبد ساختمان های عمومی و خانه های قدیمی بجنورد، می توان پایه شکل گیری طراحی کالبد بناها را با توجه به نقش چشمگیر ویژگی هایی هم چون ویژگی های جنسیتی، حریم و محرمیت و ویژگی های معیشتی هر قوم بیان نمود. این شاخص های فرهنگی توانسته تاثیرات خود را بر کالبد بناهای این منطقه بگذارند و ساختار بناها را به دو نوع درون گرا و برون گرا تبدیل نماید.

همچنین به این نکته می توان اشاره کرد که بازخوانی ویژگی های فرهنگی این اقوام در معماری سنتی آنان می تواند زمینه ای برای به کارگیری روش ها و جزئیات ساخت مسکن جدید در این منطقه بشمار آورد. محرمیت به عنوان

یکی از شاخص‌های مورد بررسی در این پژوهش از اصول اساسی حاکم بر مناسبات و تعاملات میان افراد در هر قوم است که تأثیرات آن در ساختار کالبدی معماری سنتی در این اقوام غیر قابل کتمان است و معماری به عنوان کالبد اندیشه همواره ابزاری برای بروز نگرش و اندیشه‌های هر قوم است. شکل‌گیری اندرونی‌ها و بیرونی‌ها، درونگرایی و مرکزگرایی همه نشأت گرفته از اصول جهان بینی مردم هر قوم و ملتی بوده است و حفظ محرمیت و سلسله مراتب در فضاهای خصوصی در معماری هر قوم کاملاً به چشم می‌خورد. اهمیت محرمیت و حفظ حرمت در نگرش‌های قوم کرمانج موجب شده بود که برای مردان و زنان، دو کوبه جداگانه و با شکل‌های معین بر روی لنگه‌های در نصب گردد. کوبه‌ای که صدای بم داشت مختص مردان بود و کوبه‌ای که صدای زیر داشت مختص زنان است و این موضوع در ساختار خانه‌های کرمانج‌ها نمود بیشتری نسبت به خانه‌های اقوام ترکمن دارد. این تمایز سبب می‌شد که ساکنان خانه و به ویژه کسی که برای بازکردن در می‌رفت از صدای کوبه جنس مراجعه‌کننده را تشخیص داده و برای روبرو شدن با او آمادگی نسبی پیدا کند. در خانه‌های اقوام ترکمن این مورد نمود کمتری داشته و بیشتر تأکید شاخص محرمیت بر موضوع امنیت و آزادی باز می‌گردد که رعایت این اصل در میان اقوام کرمانج شدیدتر از اقوام ترکمن می‌باشد. در اقوام ترکمن حوزه عمومی و خصوصی خانه‌ها کمتر رعایت می‌شده است و بالعکس در اقوام کرمانج این موضوع تأکید بیشتری داشته‌اند.

همچنین کالبد معماری بناها در هر دو قوم، تحت تأثیر جنسیت که واجد خاستگاه‌های فرهنگی، محیطی، اجتماعی، آن قوم است شکل گرفته؛ سیمایی که با برونگرایی اقلیمی و درونگرایی فرهنگی همساز با اقلیم و فرهنگ نمایان شده است. در خانه‌های قوم ترکمن فضاهای خصوصی بناها در طول روز می‌توانند با فضای عمومی ترکیب یا تفکیک شوند اما در اقوام کرمانج این موضوع کمتر شهود دارد و تنها در شرایط خاص اتفاق می‌افتد. همچنین در بناهای مسکونی کرمانج‌ها اتاق میهمان در نزدیکی ورودی قرار دارد و میهمان بدون ورود به حریم خصوصی وارد اتاق میهمان می‌شود اما در اقوام ترکمن این عرصه‌ها هم پیوندی بیشتری با یکدیگر دارند. همچنین در زمینه شیوه‌های معیشتی تفاوت‌های بارزی بین دو قوم وجود دارد. همکاری زنان و مردان در اقوام ترکمن در تأمین معیشت اصولاً از نوع همبستگی و تعاملی می‌باشد که اثرات آن در کالبد بنا به گونه‌ای است که منجر به کاهش حصارهای جنسیتی در درون و بیرون کالبد بناهای مسکونی می‌گردد و نمونه بارز آن ایوان است که عنصر ارتباطی فضاهای خصوصی و عمومی است و مهمان‌خانه نیز در ارتباط مستقیم با عرصه‌های عمومی است که در نتیجه کاهش نقش و محدودیت‌های جنسیتی و کمرنگ شدن موضوع محرمیت می‌باشد. در اقوام کرمانج کارخانگی مختص زنان است و عرصه‌های عمومی منحصر به مردان و به نوعی شیوه معیشتی تک جنسیتی یا تفکیک جنسیتی را می‌توان مشاهده کرد که نمود آن در کالبد بناهای مسکونی نیز مشهود است و منجر به جدایی فضاهای خصوصی از عمومی می‌گردد همچون نشیمن خصوصی که ارتباط غیر مستقیم با عرصه خارجی دارد و بحث ویژگی‌ها و نقش‌های جنسیتی در آن پررنگ‌تر و محرمیت نیز کاملاً نمایان است.

## جدول ۲: تحلیل شاخص‌های فرهنگی بر اساس اولویت‌ها

الویت	ارزش‌ها و هنجارهای	ویژگی نمادین	الگوهای رفتاری و فعالیت‌ها	بیان کالبدی
-------	-----------------------	-----------------	----------------------------	-------------

فرهنگی اجتماعی		
الویت اول	محرمیت- جنسیت	ترکمن: کمرنگ بودن ارزش های محرمیت-فضا، فعالیت زن در بیرون فضای خانه، ادغام فعالیت های روزمره و اجتماعی و مهمانی ها، عدم محدودیت در خروج از خانه حجاب در زنان تحت
	تاثیر نقش پر رنگ محرم و محرمیت	کرمانج: فعالیت زن در حریم خصوصی و اندرون و محفوظ از دید، عدم تداخل فعالیت های روزمره با فعالیت اجتماعی، محدودیت در خروج از منزل، پر رنگ بودن بحث جنسیت-فضا و محرمیت-فضا در این ارزشهای این قوم
الویت دوم	معیشت و ساختار روابط در خانواده	ترکمن: نوع معیشت تعاملی زنان و مردان، مشارکت زنان در امرار معاش، نوع خانواده گسترده و تعاملی، تامین نیرو برای تولید، برتری حریم جمعی و مشارکتی به فردی، نوع روابط اجتماعی مشارکتی و ارتباط قوی همسایگی و محدود نشدن دید و بازدهها به مهمانی های فامیلی
	کشاورزی، دامداری، دامپروری ساختار خانواده تعاونی و تعاملی	کرمانج: نوع معیشت همبستگی تک جنسیتی، عدم مشارکت زنان در امرار معاش، جدایی فعالیت های زنان از مردان، تفکیک فضای درون (خصوصی) و بیرون (عمومی)، تعاملات اجتماعی از نوع بسته
		ترکمن: عدم وجود سلسله مراتب فضایی عمومی و خصوصی، عدم تفکیک فضاهای داخل خانه از جمله میهمان خانه و مطبخ از سایر قسمت های خانه، عدم جدایی حریم اندرونی و بیرونی، آشپزخانه باز کرمانج: وجود سلسله مراتب فضایی عمومی و خصوصی - جدایی کامل حریم اندرونی و بیرونی در بیشتر خانه ها و وجود فضای محرم حیاط جهت انجام فعالیت هایی نظیر شست و شوی و...- آشپزخانه بسته- پیش بینی یک اتاق ویژه مهمان و ورودی مجزا برای آن از فضای هشتی یا دالان برای اینکه مهمان داخل صحن خانه نشود ترکمن: ادغام فضای اتاق های، پیوند مهمان خانه و دیگر فضاها های خانه، باز بودن فضای مطبخ، انجام پخت پز در ایوان و فضاهای باز، انجام امور روزمره بصورت مشارکتی در حیاط و فضاهای برونی (عمومی)، وجود نداشتن اتاق مجزا برای افراد یا عملکرد خاص مثل اتاق نهار خوری و خواب انفرادی، همکاری در فعالیت های معیشتی توسط زنان همچون دامداری، ریسندگی و فرش بافی، ایوان ورودی به عنوان فضایی برای فعالیت های دیداری یا رفت و آمدهای ساده روزمره با همسایگان و خویشاوندان کرمانج: طراحی ورودی و دالان و هشتی جهت جداسازی حریم عمومی و خصوصی، تفکیک فضای اتاق ها، جداسازی مهمان خانه از دیگر فضاها های خانه، محصور بودن فضای مطبخ، انجام پخت پز در مطبخ و عدم انجام آن در فضای بیرون و عمومی، وجود اتاق مجزا برای افراد یا عملکرد خاص مثل اتاق مهمانی، اتاق نشیمن

و...، همکاری محدود در فعالیت های معیشتی توسط زنان				
روابط جمعی	زندگی	ترکمن: پیوندهای محکم خانوادگی،	ترکمن: سکونت چندین خانوار در هر واحد	
الویت	و پیوند	زندگی دسته جمعی در واحدهای	مسکونی، ایوان یک فضای عمومی است که در	
سوم	خانوادگی	مسکونی، همبستگی بالای افراد یک	اختیار کلیه خانوارها قرار دارد، ارتباط نزدیک	
	قالب	خانواده، روابط عشیرتی، تعاملات	خانوارهای مختلف در داخل واحد مسکونی و	
	خانواده	اجتماعی باز	عدم تفکیک فضاها در کالبد مسکونیف عدم وجود	
	های		هشتی و دالان	
	گسترده			
	در کنار	کرمانج: پیوندهای خانوادگی محکم،	کرمانج: سکونت یک خانوار در هر واحد، تفکیک	
	یکدیگر	محدود بودن گستره زندگی بصورت	فضاها از یکدیگر، وجود ورودی، هشتی و دالان،	
		جمعی، تعاملات اجتماعی بسته تر	مطبخ محصور شده	

Source: Research Findings, 2020

تشکر و قدردانی: مشارکت نویسنده دوم مقاله با حمایت مالی دانشگاه زابل با کد پژوهانه: UOZ-GR-9718-90 انجام شده است.

#### References

1. Strauss, Anselm, and Corbin, Juliet, (2012), "Fundamentals of Qualitative Research (Techniques and Stages of Production of Underlying Theory)", Translator: Afshar, Tehran: Ney Publishing.
2. Pourjafar, Mohammad Reza; Rafiyan, Mojtaba; Arbabzadegan Hashemi, Seyed Alireza; (2011); Exploring the cultural ideas of the Kurdish people to design desirable urban spaces; Utopia architecture and urban planning; Fall and winter 1394; No. 15; Pp. 193-181; Faculty of Art and Architecture; Tarbiat Modares University; Tehran.
3. Khakpour, Mojgan; Ansari, Mojtaba; Sheikh Mahdi, Ali; Tawusi, Mahmoud; (2015); Socio-cultural characteristics of indigenous housing; Housing and village environment; Volume 34; No. 149; Pp. 14-3; Faculty of Art and Architecture; Tarbiat Modares University; Tehran.
4. Rapaput, Amos, (2005); The meaning of the constructed environment (an approach in non-verbal communication); Translated by Farah Habib; Tehran, Urban Processing and Planning Company Publications.
5. Rostamzadeh, Yavar; Ilka, Shahab, (2012), Climate, Nature and Housing Architecture: A Study on the Construction and Implementation of Narkman Rural Housing with Emphasis on Gomishan Turkmen Complexes, Quarterly Journal of Environmental Science and Technology, Volume 14, Number 2: 133-147
6. Rezaei, Hassan; Confectionery, Bahador, (2012). A Study of Indigenous Architecture Indices of North Khorasan Province, International Conference on Civil Engineering Architecture and Sustainable Urban Development
7. Ruholami, Mahmoud (2004), "Field of Cultural Studies", Tehran: Payame Noor University
8. Shariati, Shahrooz; Azimi Torqadri, Mohammad (2014) "Strategic Requirements of the Islamic Republic in Crisis Management of Soft War", Iranian Cultural Research Quarterly, Volume 7, Number 3: 127-148

9. Fathi, Hassan. (1993), Building with the people, translated by Ali Ashrafi. Tehran, University of Arts, Vice Chancellor for Research.
10. Fakuhi, Nasser; Ghaznavian, Zahra; (2012); Anthropological study of optimal spatial diversity from the perspective of residents of urban houses in Tehran, Alborz and Qazvin; Iranian Anthropological Research Quarterly; Volume 2; Number 3 ; Pp. 52-29; Faculty of Social Sciences, University of Tehran.
11. Fakuhi, Nasser; Ghaznavian, Zahra; (2012); Anthropological study of optimal spatial diversity from the perspective of residents of urban houses in Tehran, Alborz and Qazvin; Iranian Anthropological Research Quarterly; Volume 2; Number 3 ; Pp. 52-29; Faculty of Social Sciences, University of Tehran.
12. Kresol, Jan (2012), "Qualitative Scanning and Research Design: Choosing from Five Approaches (Narrative Studies, Phenomenology, Foundation Data Theory, Ethnography, Case Study), translated by Hassan Danaeifard, Hossein Kazemi, Saffar Publications, Second Edition. Tehran.
13. Activists, Ali Akbar. (2007), Recognizing the effective areas for explaining the Charter for the Protection of Rural Heritage of Iran. PhD Thesis, Department of Architecture and Shahr-e-Azi, University of Science and Technology, Tehran
14. Kasmai, (2003). Climate and architecture, soil diffusion.
15. Golzar, Majid et al., (2015). Investigation of Geomorphological Factors in Location and Distribution of Rural Settlements by Hierarchical Analysis System, First International Conference on Geographical Sciences, Shiraz
16. Mohammadpour, Ahmad (2011), "Anti-method", Tehran: Sociologists.
17. Merton, S.. (1356); Japanese history and culture; Translated by Massoud Rajabunya; Tehran: Amirkabir
18. Mazaheri Kokabi, Mehrdad, (2015). Indigenous Architecture in Interaction with Sustainable Development (Case Study: Bojnourd County), International Conference on Indigenous Architecture and Urban Planning of Iran
19. Howland, William (2003). Cultural Anthropology. Social Science Quarterly: The Growth of Social Science Education. Spring. Number 22.
20. Kendall st. (2004). Flexibility program scheduling". Journal of clinical engineering. pp 38-39